

جامعه‌شناسی خشونت

نوشته

عادل باخوان

ترجمه

حسین محمدزاده

جمال ادهمی

"سهم مترجمان در این اثر مساوی است"



روش‌شناسان



جامعه‌شناسان

سرشناسه: پاخوان، عادل، ۱۹۵۸-م.
عنوان و نام پدیدآور: جامعه‌شناسی خشونت
تألیف: عادل پاخوان
ترجمه: حسین محمدزاده، جمال ادهمی

مشخصات نشر: جامعه‌شناسان و روش‌شناسان

مشخصات ظاهری: ۹۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۳-۵۶۲-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: سوسیولوژیای زه پروژه نگ. فارسی

یادداشت: تحلیل جامعه‌شناختی خشونت و اسلام‌گرایی رادیکال در کشورهای خاورمیانه

موضوع: خشونت -- جنبه‌های اجتماعی

Violence - Social aspects

شناسه افزوده: محمدزاده، حسین، ۱۳۴۶-، مترجم

شناسه افزوده: ادهمی، جمال، ۱۳۶۰-، مترجم

رده‌بندی کنگره: HM۱۱۱۱۶

رده‌بندی دیویی: ۳۰۳/۶

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۵۹۲۱۴

با همکاری انتشارات روش‌شناسان



روش‌شناسان



جامعه‌شناسان

جامعه‌شناسی خشونت

عادل پاخوان / حسین محمدزاده، جمال ادهمی

چاپ اول: ۱۴۰۰ / تهران / تعداد ۱۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان / چاپ و صحافی: چاپار

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۳-۵۶۲-۶

همه حقوق چاپ نشر برای ناشر محفوظ است.

حروفچینی، نمونه‌خوانی و صفحه‌آرایی: جامعه‌شناسان و روش‌شناسان
ویراستاری: گروه ویراستاری انتشارات جامعه‌شناسان و روش‌شناسان

فروشگاه و نمایشگاه مرکزی:

تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی

دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، پلاک ۲۲۸

کتاب‌فروشی جامعه‌شناسان

تلفن: ۶۶۰۰۰۵۱

تلفن دفتر نشر: ۶۶۹۶۹۶۲۰

این اثر، مشمول قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مولف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

WWW.JAMEESHENASAN.COM

Email: RaveshP20@gmail.com

Email: sociologists15@gmail.com

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	روشنگری و خشونت
۱۵	هنجار و خشونت
۱۹	سازمان و خشونت
۲۳	اجبارهای اجتماعی و خشونت
۲۷	شهر و خشونت
۳۱	تقدس و خشونت
۳۵	کشیمکش‌های اجتماعی و خشونت
۳۷	سیستم و خشونت
۴۹	دولت و خشونت
۶۱	فرهنگ و خشونت
۷۱	رسانه و خشونت
۷۹	نمایش و خشونت
۸۳	اسلام‌گرایی رادیکال و خشونت
۸۹	پایان
۹۳	REFERENCES

مقدمه

جایی بسی تعجب است از زمان تأسیس علوم اجتماعی تاکنون، تحقیق و تفحص در مورد خشونت ادامه دارد. اما تا حال یک دانشکده وجود ندارد که یک مرکز تحقیقاتی یا آزمایشگاهی را به تولید معرفت درباره خشونت که قدمتی به درازای تاریخ بشر دارد، در نظر گرفته باشد. حتی در کشورهای بسیار پیشرفته دانشگاهی نیست که رشته‌ای را در تحصیلات تکمیلی به مسئله خشونت اختصاص داده باشد. گرچه در واقع و به طور تقریبی در هر دانشگاهی رشته‌ای به نام جامعه‌شناسی جرم و جنایت وجود دارد اما این را نباید از نظر دور داشت که دامنه این رشته بسیار محدود بوده و توان پوشش محدودی بزرگی را ندارد که خشونت در آن دامن گستر است.

* در عین حال علوم اجتماعی، خصوصاً در غرب، خشونت را به مثابه مسئله‌ای مشترک [بین رشته‌ای] نگریسته و چندین روش و حوزه تحقیقاتی را برای آن در نظر گرفته‌اند. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، [جامعه‌شناسی] شهری، سیاسی، علوم ورزشی، علوم دینی و اقتصادی در زمینه‌های مختلف در مورد حوزه‌های پیدایش خشونت و تأثیرات آن بر فرد و گروه‌های مختلف به پژوهش می‌پردازند.

فراوانی پیامدهای خشونت تا بدان جاست که به سادگی نمی‌توان گفت: خشونت عبارت است از ...، و این بدان معناست که دیگر نبایستی انتظار داشت با یک شاخص خشونت را درک نمود و به این نتیجه رسید که در پایان داستان قرار داریم. اما آیا این بدان معناست که ما در میان اقیانوسی از تعاریف، ریشه‌های فکری تره‌ای متقاطع و متضاد را دریابیم؟ بدون شک خیر. برعکس مطالعه دقیق این ترها، دقیق به معنای تفکر عمیق و کنکاش در شالوده‌های آن، شرایط فهم منابع اصلی را مهیا می‌سازد. از این زاویه و پس از

کاوشی دقیق می‌توان دو جریان عمده را که در طول تاریخ علوم اجتماعی تداوم داشته و بر همه ما بسیار تأثیرگذار بوده‌اند از همدیگر تفکیک کنیم.

رویکرد اول عبارت است از نگرستن به خشونت به مثابه عملی مجرمانه که بر فیزیک دیگران اعمال می‌شود. میدان این خشونت فیزیکی بسیار گسترده بوده و از کوچه تا دانشگاه را دربرمی‌گیرد. در این جریان است که "دولت" به عنوان نقطه ثقل و کانون اصلی شناسانده می‌شود. ماکس وبر جامعه‌شناس برجسته آلمانی از دو نوع خشونت حرف می‌زند. خشونت مشروع که صرفاً دولت، آن را در راه تأمین مصالح اجتماعی بکار می‌گیرد و خشونت غیر مشروع که شامل انواع خشونت بوده و افراد خارج از نهاد دولت آن را مرتکب می‌شوند.

رویکرد دوم عبارت است از نگرستن به خشونت به مثابه ابزار کشاکش فرایندهای هژمونی اجتماعی. این نوع از خشونت به همان اندازه که ابزار طبقه برخوردار از هژمونی برای گسترش حوزه هژمونی خویش بر هژمون شدگان است به همین اندازه ابزار طبقات هژمون شده برای برون رفت از وضع هژمون شده و سپس وارونه کردن این معادله و سلطه خویش بر سلطه گران گروه اول است. بدون شک بنیان‌گذار این رویکرد کارل مارکس است که نگرش او بعدها توسط پیروان عمیق تر گشته و حوزه‌های دیگری را به دامنه آن افزوده است. هر کدام از این دو رویکرد محرک سؤالات متعدد حول یک مسئله محوری هستند که سیاست نام دارد.

رویکرد اول تمام مسائل مربوط به خشونت را به دولت پیوند می‌زند که مقرر شده است حافظ مصالح اجتماعی کل جامعه باشد، و به طور مداوم مانع چارچوب‌های غیر مدنی به کارگیری خشونت از سوی افراد و گروه‌ها شود. دولت در این راستا دارای این مشروعیت است که خودش خشونت را به کار گیرد. کاملاً برخلاف رویکرد نخست، رویکرد دوم افشاگر نابرابری‌ها، نا عدالتی‌ها، ظلم و جورهایی است که نهادها و سازمان‌های دولتی آن را پدید می‌آورند.

بدین شیوه دولت و سازمان‌های آن موضوع بحث این دورویکرد قرار می‌گیرند بدون آنکه این موضوع را از یک زاویه، یک سطح و با یک نگرش مورد ارزیابی و آزمایش قرار

دهند. اگرچه قدرت هسته مشترک در تحقیقات هر دو نگرش است، بنیادهای فکری این دو رویکرد از یکدیگر متفاوت بوده و شدیداً با همدیگر در تضاد هستند.

درحالی که رویکرد نخست مفهوم وضع جنگی و مشروعیت خشونت دولت را از توماس هابز وام می گیرد رویکرد دوم تصویر خشونت را به عنوان یکی از پیامدهای فرایند اجتماعی شدن به روسو ارجاع می دهد.

این بازگشت تاریخی دارای ارزش خاص خویش است. چون این بازگشت ما را به دو تزیه نمون می سازد که مثل دو خط موازی در طول تاریخ ادامه داشته اند. ما را به دو مکتب باز می گرداند که تاکنون در جوامع مختلف افراد و گروه ها را از همدیگر تفکیک کرده اند.

این نکته درست است که تمام علمایی که روی مسئله خشونت کار می کنند به طور آشکارا تعلق خویش را به یکی از این دو جریان تفکر تاریخی بیان نمی کنند. اما این مسئله هم صحیح است که در تحلیل و تفسیرهایشان در مورد خشونت، دیدگاه های هابز یا روسو، مارکس یا وبر به وضوح دیده می شود. بدون شک آنچه برای ما حائز اهمیت است نه کنکاش بیهوده برای افشای تعلقات جناحی افراد و گروه ها بلکه به کارگیری یکی از این رویکردها به عنوان ابزار تحلیل داده ها و فهم واقعیت، اکنون که هست، می باشد.